

سرشناسه: طبرسی، احمد بن علی، قرن ۴ ق.  
عنوان قرارداد: الاحتجاج - فارسی - عربی  
عنوان: ترجمه احتجاج علی اهل اللجاج جلد اول  
تکرار نام پدیدآور: تألیف ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی رحمه الله؛ مترجم محمد مهدی سازندگی  
مشخصات نشر: قم بقیة الله رتبه ۱۳۹۶  
مشخصات ظاهری: ۲ جلدی، جلد اول ۷۷۱ صفحه.

بها: ۸۰۰۰۰ ریال ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۲۸-۳۰-۷

میت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: فارسی - عربی

موضوع: اسلام - احتجاجات.

موضوع: شیعه - احتجاجات.

موضوع: اسلام - دفاعیه ها و ردی ها.

موضوع: شیعه - دفاعیه ها و ردی ها.

شناسه سازندگی: محمد مهدی، ۱۳۵۲ - مترجم

جلدی کتب: ۴۱۱، ۲/۲ الف BP۲۲۸/۴

ه بندی دب: ۴۷۹/۴۹۷

ساره مد: ۳۸۸۶۱۸

# الاحتجاج

## جلد اول

مؤلف: ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی رحمه الله

مترجم: محمد مهدی سازندگی

ناشر: بقیة الله رتبه ۱

نوبت چاپ: چهارم (ناشر)

چاپ: پ

شمارگان: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۲۸-۳۰-۷

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۲۸-۳۲-۱

قیمت دوره: ۸۰۰۰۰ تومان

## بخش کتاب هفت

برای تهیه کلی یا جزئی این کتاب و ارسال از طریق پست با شماره  
تلفن ۰۲۵-۳۷۸۳۳۳۸۹ و یا همراه ۰۹۱۲۷۵۳۹۹۱۲ تماس حاصل فرمایید.

ترجمہ

# احتجاج علی اہل اللجاج

أبو منصور، الحسن بن علی بن أبی طالب طبرسی

مترجم: مہدی سازندگی

جلد اوّل

تقدیم بہ مدافعان مہدی مریم الہی و اسلام ناب مہمدی چہارده معصوم علیہم السلام

## «فهرست مطالب»

|    |                                                                             |
|----|-----------------------------------------------------------------------------|
| ۱۰ | سخن مترجم درباره مؤلف                                                       |
| ۱۷ | [مقدمه مؤلف]                                                                |
| ۲۳ | برخی از آیاتی که به مجادله نیکو فرمان داده و اهل آن را برتر معرفی نموده است |
| ۲۳ | [اخبار و روایاتی که دستور به احتجاج می دهند]                                |
| ۲۵ | [دستور به احتجاج از پیامبر اکرم (ص)]                                        |
| ۲۵ | [دستور به احتجاج از امیر المؤمنین (ع)]                                      |
| ۲۷ | [دستور به احتجاج از امام حسن مجتبی (ع)]                                     |
| ۲۷ | [دستور به احتجاج از امام حسین (ع)]                                          |
| ۲۷ | [دستور به احتجاج از امام محمد باقر (ع)]                                     |
| ۲۹ | [دستور به احتجاج از امام جعفر صادق (ع)]                                     |
| ۲۹ | [دستور به احتجاج از امام موسی کاظم (ع)]                                     |
| ۲۹ | [دستور به احتجاج از امام علی بن موسی رضا (ع)]                               |
| ۳۱ | [دستور به احتجاج از امام محمد بن علی الجواد (ع)]                            |
| ۳۱ | [دستور به احتجاج از امام علی بن محمد باقر (ع)]                              |
| ۳۱ | [دستور به احتجاج از امام حسن العسکری (ع)]                                   |
| ۳۵ | [دستور به احتجاج از فاطمه زهرا (ع)]                                         |
| ۳۵ | [علم آموختن امام حسن مجتبی (ع) به مردی]                                     |
| ۳۷ | [فضیلت علما و دانشمندان]                                                    |
| ۳۷ | [فضیلت کمک به دوستان اهل بیت (ع)]                                           |
| ۴۱ | بیان برخی از احتجاجات پیامبر (ص) با مخالفان اسلام                           |
| ۴۱ | [بیان امام صادق (ع) از سیره رسول خدا (ص) در باره لزوم احتجاج]               |
| ۴۳ | [معنی جدال غیر احسن]                                                        |
| ۴۳ | [معنی جدال احسن]                                                            |
| ۴۵ | [گفتگوی طوایف مختلف با پیامبر اکرم (ص)]                                     |
| ۴۹ | [مناظره پیامبر (ص) با یهودیان]                                              |
| ۵۱ | [مناظره پیامبر (ص) با نصاری]                                                |
| ۵۷ | [مناظره پیامبر (ص) با دهریه]                                                |
| ۵۹ | [مناظره پیامبر (ص) با ثنویه]                                                |
| ۶۱ | [مناظره پیامبر (ص) با مشرکین عرب]                                           |

- ۶۹ ----- [احتجاج پیامبر ﷺ با گروهی از مشرکین]
- ۷۱ ----- [احتجاج پیامبر ﷺ با گروهی از مشرکین]
- ۷۵ ----- [سخنان عبدالله بن ابی امیه مخزومی با پیامبر خدا ﷺ]
- ۷۷ ----- [یاری خواستن پیامبر ﷺ از خداوند]
- ۷۹ ----- [پاسخ پیامبر ﷺ به سخن نخست عبدالله مخزومی]
- ۸۱ ----- [پاسخ پیامبر ﷺ به سخن دوم عبدالله مخزومی]
- ۸۳ ----- [پاسخ پیامبر ﷺ به سخن سوم عبدالله مخزومی]
- ۸۳ ----- [پاسخ پیامبر ﷺ به سخن چهارم عبدالله مخزومی]
- ۸۵ ----- [پاسخ پیامبر ﷺ به سخن پنجم عبدالله مخزومی]
- ۸۵ ----- [فرود نیامان آیات بر رگن مکه و طائف]
- ۸۹ ----- [پاسخ پیامبر ﷺ به سخن ششم عبدالله مخزومی]
- ۸۹ ----- [داشتن مال و زر نشاء امیری نیست]
- ۱۰۳ ----- [پاره‌ای از معجزات پیامبر اکرم ﷺ]
- ۱۰۷ ----- [دشمنی و عناد ابوجهل]
- ۱۰۹ ----- [نامه ابوجهل به رسول خدا ﷺ پس از آمدن به مدینه و اسخ آن حضرت]
- ۱۱۳ ----- [معجزات پیامبر ﷺ بر سر چاه بدر]
- ۱۱۷ ----- [احتجاج رسول خدا ﷺ با یهودیان، در جواز نسخ شرایع پیر آن]
- ۱۱۷ ----- [گفتار یهود به پیامبر ﷺ]
- ۱۱۹ ----- [احتجاج پیامبر ﷺ با یهود درباره قبله]
- ۱۲۳ ----- [گفتار امام حسن عسکری علیه السلام درباره حکمت تغییر قبله]
- ۱۲۵ ----- [احتجاج پیامبر ﷺ با عبدالله بن صوری یهودی]
- ۱۲۵ ----- [پاسخ پیامبر ﷺ به گفته‌های ابن صوری]
- ۱۲۷ ----- [سبب نزول آیه «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجَبْرِئِلَ»]
- ۱۴۱ ----- [گفتار سلمان فارسی با ابن صوری]
- ۱۴۱ ----- [تخریب بیت المقدس و داستان دانیال علیه السلام]
- ۱۴۵ ----- [احتجاج پیامبر ﷺ با یهود]
- ۱۴۵ ----- [استشهاد پیامبر ﷺ از کوه بر نبوت خود]
- ۱۴۱ ----- [برخی از معجزات رسول خدا ﷺ]
- ۱۴۵ ----- [نمونه‌هایی از حتجاج پیامبر ﷺ با یهودان]
- ۱۴۵ ----- [فضیلت پیامبر اسلام ﷺ بر موسی بن عمران علیه السلام]
- ۱۴۷ ----- [احتجاج رسول خدا ﷺ با چهل تن از یهودیان مدینه]

- ۱۴۷----- [فضیلت رسول خدا ﷺ بر آدم ﷺ]
- ۱۴۷----- [فضیلت رسول خدا ﷺ بر موسی ﷺ]
- ۱۴۹----- [فضیلت رسول خدا ﷺ بر نوح ﷺ]
- ۱۴۹----- [فضیلت رسول خدا ﷺ بر ابراهیم ﷺ]
- ۱۵۱----- [فضیلت پیامبر ﷺ بر عیسی بن مریم ﷺ]
- ۱۵۱----- [فضیلت رسول خدا ﷺ بر سلیمان ﷺ]
- ۱۵۵----- [رسول خدا ﷺ به سؤال مرد یهودی]
- ۱۵۷----- احتجاج رسول خدا ﷺ بر منافقین
- ۱۵۷----- جریان رزق آنان راه تبوک و در شب عقبه
- ۱۶۳----- [سبب ملائکه برای آدم ﷺ]
- ۱۶۷----- [داستان حضرت یونس]
- ۱۶۷----- [منافقین و منکران لید العمیه]
- ۱۷۳----- احتجاج رسول خدا ﷺ در غده خیم
- ۱۷۳----- بر ولایت علی بن ابی طالب ﷺ و امام معصوم ﷺ
- ۱۷۹----- [خطبه رسول خدا ﷺ در غده خیم]
- ۲۰۹----- [بیعت اصحاب با امیرالمؤمنین علی ﷺ]
- ۲۱۱----- احتجاج خداوند به جایگاه ائمه اطهار علیهم السلام و تعیین نسبت ایشان پس از پیامبر ﷺ
- ۲۱۳----- [حدیث لوح فاطمه ﷺ]
- ۲۱۷----- [حدیث قدسی در تعیین اسامی مبارک ائمه علیهم السلام]
- ۲۲۱----- [حب علی ﷺ نشانه طهارت ولادت]
- ۲۲۵----- گوشه‌ای از حوادث پس از وفات رسول خدا ﷺ
- ۲۲۵----- [لجاجت و جدال امت در امر خلافت و عدم پذیرش امارت امیرالمؤمنین علی ﷺ]
- ۲۲۷----- [روانه کردن لشکر اسامه و تخلف کنندگان از آن]
- ۲۲۹----- [داستان سقیفه بنی ساعده]
- ۲۳۱----- [امتازعه حباب بن منذر با اصحاب در امر خلافت]
- ۲۳۹----- [کیفیت بیعت گرفتن از امیرالمؤمنین ﷺ]
- ۲۴۱----- [احتجاج امیرالمؤمنین ﷺ بر مهاجر و انصار]
- ۲۴۳----- [مخالفان خلافت ابوبکر]
- ۲۴۷----- [شهادت خالد بن سعید بر ولایت امیرالمؤمنین علی ﷺ]
- ۲۴۹----- [شهادت سلمان فارسی بر ولایت امیرالمؤمنین علی ﷺ]
- ۲۵۱----- [شهادت ابوذر غفاری بر ولایت امیرالمؤمنین علی ﷺ]

- ۲۵۱- [شهادت مقداد بن اسود الکندی بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۳- [شهادت بريدة الاسلمی بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۳- [شهادت عمار بن یاسر بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۵- [شهادت ابی بن کعب بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۵- [شهادت خزیمه بن ثابت انصاری بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۷- [شهادت ابوالهیثم بن التیهان بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۷- [شهادت سهل بن حنیف انصاری بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۷- [شهادت عثمان بن حنیف بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۹- [شهادت ابی ساریه بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۵۹- [گفتار ابی بکر و عمر در امر خلافت]
- ۲۶۱- [گفتار خالد بن سعید بن عامر]
- ۲۶۳- [داستان درب خان فاطمه (ع)]
- ۲۶۵- [کیفیت اخذ بیعت از امیرالمؤمنین علی (ع)]
- ۲۸۳- [فریاد دادرسی فاطمه (ع) در حمایت از رسول خدا (ص)]
- ۲۸۳- [بازگشت اسامه از اردوگاه و کیفیت]
- ۲۸۷- [نامه ابوبکر به پدرش ابوقحافه و پاسخ از]
- ۲۸۹- [اقرار به فضائل علی (ع) از زبان ابوبکر]
- ۲۹۱- [وجه تقدم علی (ع) بر عباس در خلافت]
- ۲۹۳- [دلیل پذیرش خلافت توسط ابوبکر از زبان خودش]
- ۲۹۳- [توطئه قتل علی (ع) توسط خلیفه]
- ۲۹۷- [احتجاج امیرالمؤمنین (ع) بر ابوبکر و عمر هنگام غصب فدک از زهرا (ع) با کتاب و سنت]
- ۳۰۳- [نامه امیرالمؤمنین (ع) به ابوبکر پس از غصب فدک از حضرت زهرا (ع)]
- ۳۱۱- [خطبه فدکیه فاطمه زهرا (ع) و احتجاج آن حضرت در باره فدک]
- ۳۳۱- [احتجاج فاطمه زهرا (ع) در جمع زنان مهاجر و انصار]
- ۳۳۵- [احتجاج سلمان فارسی در نگویش عهدشکنی امت پس از وفات پیامبر (ص)]
- ۳۳۷- [احتجاج ابی بن کعب بر ولایت علی (ع)]
- ۳۴۱- [و مذمت عهدشکنی امت پس از وفات پیامبر (ص)]
- ۳۴۷- [احتجاج امیرالمؤمنین (ع) در هنگام اظهار خوش رویی ابوبکر از بیعت مردم با او]
- ۳۵۹- [احتجاج سلمان فارسی در پاسخ به نامه عمر بن خطاب]
- ۳۵۹- [هنگامی که پس از حذیفه بن یمان والی مدائن شده بود]
- ۳۶۳- [احتجاج امیرالمؤمنین (ع) با اهل شوری بر اولویت خود پس از وفات عمر بن خطاب]

- ۳۸۷ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام بر مهاجر و انصار پیرامون فضیلت خود
- ۴۱۷ [روایت ابوذر درباره جمع آوری قرآن]
- ۴۱۹ [خطبه ابوذر غفاری]
- ۴۲۹ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام بر ناکثین، زمانی که بیعت خود را شکستند
- ۴۳۱ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام بر زبیر و طلحه هنگام خروج بر آن حضرت
- ۴۳۵ [خطبه‌ای از امیرالمؤمنین علیه السلام در ذم طلحه و زبیر]
- ۴۳۵ [بان امیرالمؤمنین علیه السلام در کارزار جمل]
- ۴۴۵ احتجاج ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بر عائشه
- ۴۴۵ در مخالفت با خروج برای جنگ با امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۴۵۳ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام با گروهی از لشکریانش
- ۴۶۵ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام با اصحاب خود پیرامون عهد و بیعت ایشان
- ۴۷۱ سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در توبین اصحاب خود
- ۴۸۱ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ معاویه
- ۴۸۷ نامه‌ای دیگر از امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه
- ۴۸۹ نامه دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه
- ۴۸۹ پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام به نامه معاویه
- ۴۹۱ نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به عمرو عاص
- ۴۹۳ گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به سخنان عمرو عاص
- ۴۹۳ [نامه محمد بن ابی‌بکر به معاویه]
- ۴۹۵ [پاسخ معاویه به نامه محمد بن ابی‌بکر]
- ۴۹۷ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام بر خوارج
- ۴۹۹ سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام درباره قرار دادن مهلت در حکمت
- ۵۰۷ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام در علت جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین
- ۵۱۳ [خطبه شقیقه]
- ۵۱۷ [حدیث ام سلمه]
- ۵۱۷ خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام پس از فتح بصره
- ۵۲۵ [حدیث طبر مشوی]
- ۵۳۱ احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام در باره توحید خداوند و تنزیه پروردگار
- ۵۴۱ استدلال به وجود پروردگار متعال از راه آفرینش حیرت‌انگیز بعضی از جانداران
- ۵۴۱ [بیان آن حضرت علیه السلام در آفرینش مورچه]
- ۵۴۳ [بیان آن حضرت علیه السلام در آفرینش ملخ]

- ۵۴۳ ..... [سؤالات راهب رومی از امیرالمؤمنین (ع)]
- ۵۴۷ ..... [بیان آن حضرت (ع) در قضاء و قدر]
- ۵۵۵ ..... [سؤالات عالم یهودی از امیرالمؤمنین (ع)]
- ۵۵۷ ..... احتجاج امیرالمؤمنین (ع) بر یکی از علمای یهود
- ۶۰۷ ..... احتجاج امیرالمؤمنین (ع) بر یکی از یهودیان در انواع علوم
- ۶۱۱ ..... [پاسخ امیرالمؤمنین (ع) به پرسش‌های ابن کواء]
- ۶۱۷ ..... احتجاج امیرالمؤمنین (ع) بر مدعی شفا یافتن بیماران به سبب دارو
- ۶۲۹ ..... [سخنان امیرالمؤمنین (ع) در باره سعد و نحس بودن ستارگان]
- ۶۳۳ ..... احتجاج امیرالمؤمنین (ع) بر ادعای یهودی که بر آیات متشابه استدلال نمود
- ۶۸۷ ..... [خطبه امیرالمؤمنین (ع) پس از بیعت امت با او]
- ۶۹۱ ..... [پاسخ امیرالمؤمنین (ع) به پرسش‌های ابن کواء]
- ۶۹۹ ..... احتجاج امیرالمؤمنین (ع) بر ائلهین به اختلاف رأی در احکام شرع
- ۷۰۱ ..... [سخنان امیرالمؤمنین (ع) در باره عدل و رأی و قیاس]
- ۷۰۵ ..... [احتجاج امیرالمؤمنین (ع) با رأس اليهود]
- ۷۰۵ ..... [سخنان امیرالمؤمنین (ع) در باره روزه]
- ۷۰۹ ..... [سخنان امیرالمؤمنین (ع) در علت اختلاف]
- ۷۱۳ ..... [سخنان رسول خدا (ص) در باره دجال]
- ۷۱۵ ..... پاسخ امام حسن مجتبی (ع) به سؤالات خضر (ع) در حضور امیرالمؤمنین (ع)
- ۷۱۹ ..... پاسخ‌های امام حسن مجتبی (ع) به پرسش‌های فرستاده شداد از روم و شام
- ۷۲۵ ..... احتجاج امام حسن (ع) با منکران فضل او و پدر بزرگوارش (ع) در حضور معاویه
- ۷۵۹ ..... [مفاخره و مباحثات امام حسن مجتبی (ع)]
- ۷۵۹ ..... بر معاویه و مروان و مغیره بن شعبه و ولید بن عقبه و عتبۀ بن ابی سفیان]

### سخن مترجم درباره مؤلف

ابومنصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علمای قرن ششم هجری است. طبرسی را بسیاری از مردان منسوب به طبرستان مازندران دانسته‌اند. در مقابل نیز عده‌ای او را منسوب به طبریش (معرب تفرش) دانسته‌اند. تفرش به منطقه‌ای اطلاق می‌شود که نزدیک شهر تفرش واقع شده است. به نظر می‌آید که به دلایلی همین قول صحیح‌تر است، از جمله:

- ۱- منسوب به طبرستان را طبری گفته‌اند، مانند محمد بن جریر طبری و ...
- ۲- بیهقی در تاریخ بیهق، وقتی سخن از امین الاسلام طبرسی به میان می‌آورد، او را منسوب به تفرش از نواحی قم می‌داند و با توجه به معاصر بودن امین الاسلام و بیهقی و آشنایی نزدیک این دو نفر، کلام بیهقی مقدم بر دیگران است.

گرچه سال ولادت و وفات ابومنصور طبرسی دقیقاً مشخص نیست؛ اما مسلم است که او از علمای قرن ششم هجری و معاصر امین الاسلام طبرسی است. «مجمع البیان» و متوفای ۵۴۸ هجری است و هر دو از مشایخ ابن شهر آشوب، سرداران م ۵۸۸ هجری می‌باشند.

برخی از علمای متأخر در نسبت دادن کتاب «احتجاج» به ابوعلی طبرسی، صرف تفسیر مجمع البیان اشتباه نموده‌اند. طبرسی بر تعداد زیادی از علمای متقدم و متأخر اطلاق می‌شود که معروف‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- ابومنصور احمد بن علی بن فضل طبرسی، صاحب کتاب «احتجاج»؛

- ۲- امین الإسلام ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، مؤلف «مجمع البیان»؛  
 ۳- فرزند امین الإسلام، ابونصر حسن بن فضل بن حسن طبرسی، مؤلف «مکارم الأخلاق»؛

۴- ابوالفضل علی بن حسن بن فضل بن حسن، نوه امین الإسلام و مؤلف کتاب «شکاة النوار».

پس بدون شک ابومنصور طبرسی صاحب «الاحتجاج»، شخصیتی غیر از امین الإسلام طبرسی صاحب «مجمع البیان» است؛ گرچه هر دو معاصر بوده‌اند و هر دو از مشایخ ابن شهر آشوب هستند، اما احتمال وحدت آن دو مردود است.

حاج شیخ آقا میرزا محمد طهرانی ذیل عنوان کتاب می‌نویسد:

«الاحتجاج علی اهل الکفر تألیف شیخ جلیل ابومنصور أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی، استاد رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب السروی است که در سال ۵۸۸ وفات یافته، بنابراین مؤلف از علمای قرن پنجم هجری است که اوائل قرن ششم را نیز درک نموده است.»

- تا آنجا که می‌فرماید: «کتاب فوق الذکر از جمله کتب معتبری است که مورد اعتماد تمام علما همچون علامه مجلسی و محدث حرّ عاملی مانند آن دو بزرگوار می‌باشد»<sup>۱</sup>.

#### اساتید و شاگردان

آنچه از اساتید ابومنصور طبرسی در اختیار ماست تنها «ابوجعفر، محمد بن ابی حرب حسینی مرعشی» می‌باشد، که طبرسی نام او را در استاد روایاتش ذکر کرده است از شاگردان طبرسی هم تنها نام ابن شهر آشوب مازندرانی را می‌دانیم که متوفی ۵۷۰ هجری است.

## تالیفات

در کتب تراجم چند کتاب را برای طبرسی نام برده‌اند، از جمله:

۱- الاحتجاج، که از جمله مأخذ «بحار الأنوار» به شمار می‌رود.

۲- الکافی در فقه؛ ۳- تاریخ الأئمة؛ ۴- فضائل الزهراء (علیها السلام)؛ ۵- مفاخر الطالبية؛ ۶- ج المایید در علم انساب.

## در باره کتاب

«الاحتجاج»، تألیف ابومنصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علمای قرن ششم هجری است. این کتاب، به زبان عربی و در موضوع بحث‌ها و مناظرات معصومین (علیهم السلام) با مخالفان، در موضوعات مختلف کلامی و اعتقادی و دینی می‌باشد.

طبرسی، خود در مقدمه احتجاج می‌گوید:

«آنچه باعث شد چنین کتابی تألیف کنم، آن بود که عده‌ای از شیعیان، از استدلال و بحث با مخالفان دست برداشته‌اند و مرا که بنده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) هیچ‌گاه جدال نکرده‌اند و به شیعه نیز چنین اجازه‌ای نداده‌اند، تصمیم گرفتم بحث‌های بزرگان با مخالفان در اصول و فروع دین را در کتابی جمع‌آوری کنم.

کتاب الاحتجاج، از کتب معتبری است که علما به آن استناد می‌دارند و بدون هیچ دغدغه‌ای روایات آن را نقل می‌کنند.

## ساختار و محتوا

کتاب حاضر، در دو جزء تنظیم شده است: جزء اول آن، مشتمل بر بیست و سه احتجاج و نه عنوان مختلف است و جزء دوم، شامل بیست و شش احتجاج و نه عنوان می‌باشد.

مؤلف، در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«من، به جز روایات تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، بقیه روایات کتاب را بدون سند آورده‌ام، زیرا یا بر آنها اجماع هست یا موافق عقلمند یا در کتب مخالف و موافق مشهورند و روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را با ذکر سند در ابتدای آنها آورده‌ام، چرا که از حیث شهرت، مانند بقیه روایات کتاب نیستند.»

روع کتاب، با آیات و اخباری است که به بحث و استدلال با مخالفین ترغیب می‌کند، راجع و ثواب حمایت‌کنندگان از دین خدا را بیان می‌کند. سپس احتجاجات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را به ترتیب ذکر کرده و گاهی استدلال‌ها و بحث‌های اصحاب و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز آورده است. در پایان نیز، توقیعات امام عصر (عج) در پاسخ به سؤالات و مشکلات شیعیان ذکر کرده است.

#### معرفی ترجمه حاضر

کتابی که اکنون در اختیار خواننده گرامی قرار دارد، ترجمه‌ای ساده و روان از کتاب شریف «الإحتجاج علی أهل اللجب» شیخ فقیه و رسته، أبومنصور أحمد بن علی بن أبی طالب طبرسی (ره) از علمای قرن ششم هجری قمری می‌باشد. این بزرگوار از مفاخر دانشمندان امامیه بوده و شخصیت او از آثار متعدده برجای مانده‌اش آشکار است. کتاب حاضر حاوی بخش‌های گوناگون از احتجاجات چهارده معصوم علیهم السلام می‌باشد. مؤلف گران قدر ضمن اشاره به عقاید حقّه به بیان معصومین علیهم السلام به بحث با مخالفین را گوشزد می‌کند، و در پی تعلیم روش صحیح احتجاج و جدال با دشمن می‌باشد. مرحوم مؤلف در مقدمه کتاب به آیه کریمه ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْءَدَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ استناد نموده و روش نیکوی مجادله را گوشزد می‌نماید. همچنان‌که در مقدمه کتاب آورده است، به جهت اختصار و جلوگیری از حجیم شدن کتاب، متذکر سند روایات و سلسله راویان نشده است که البته از آنجایی که تمامی روایات مندرج در این کتاب برگرفته از مجامع حدیثی و روایی شیعه می‌باشند متن اسناد به تمامه موجود می‌باشد.

در ترجمه این کتاب، سعی مترجم بر این قرار گرفت که از تطبیق نسخه‌های متعدد ترجمه شده، بهره برده و ارجاعات آیات و روایات استخراج گردد، و در مواردی که نیاز به شرح و توضیح مطلب بود، در پاورقی به این امر پرداخته شد و با موضوع‌بندی مطالب، خواننده به مطالب بیشتری دسترسی پیدا کند و سعی نمودم تا تجربیاتی که در حمله کتاب‌های پیشین اندوخته بودم، به نحو کامل‌تری در این ترجمه به انجام برسانم. در حد اکثر توان خود را برای هرچه بهتر شدن ترجمه و تحقیق این کتاب ارزشمند به کار بردم. از خوانندگان محترم تقاضا دارد که خطا و لغزش‌های قهری را بر ما ببخشند، گرچه سعی کرده‌ام که خطاهای طبیعی و ترجمه‌ای را به حداقل برسانم.

در خانه خوار و خسته را ساس می‌گویم که به این کمترین توفیق مجدد ارزانی داشت، که باز هم در راه ترویج معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام قلم به دست گیرم و بیش از پیش از دریای بی‌کران معارف و سرچشمه زلال حکمت و عرفان این ذوات مقدسه، توشه‌ای هرچند ناچیز برچینم. بمنّه و بکرمه.

مهدی سازندگی

ولادت صدیقه طاهره علیها‌السلام

۱۳۹۲/۲/۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله المتعالى عن صفات المخلوقين، المنزه عن نعوت الناعتين، المبرأ مما لا يلاق بوجدانيته، المرتفع عن الزوال و الفناء، بوجوب إلهيته الذى استجاب للخلائق، بحمد ما تواتر عليهم من نعمائه، و ترادف لديهم من حسن بلائه، و تتابع من أياديهِ و عواطفه، و تفاقم من مواهبه و عوارفه، جم عن الإحصاء عدده و رفاق عن الإحاطة بها مددها، و خرس ألسن الناطقين بالشكر غير، عن داء ما وجب من حقها لديها.

و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، شهادة يثقل بها ميزان العارفين، و تبيض بها وجوههم يوم الدين.

و أشهد أن محمدا عبده المصطفى، رسله المجتبى، خاتم الرسل و الأنبياء، و سيد الخلائق كلهم و الأصفياء.

و أن وصيه على بن أبى طالب عليه السلام خير وصى، و خير إمام ولى، و أن عترته الطاهرة خير العتر، الأئمة الهادية الاثنا عشر، أبناء الله فى بلاده و حججه على عباده، بهم تمت علينا نعمته، و علت كلمته، حنارهم أئبرية إظهارا للطفه و حكمته، و إنارة لأعلام عدله و رحمته، فانزاحت بهم غيبته، و زهق باطل كل مستكبر عنيد، بأن عصمهم من الذنوب، و برأهم من العيوب حفظا منه للشرائع و الأحكام، و سياسة لهم، و هببة لأهل المعاصى و الآثام، جرا عن التغاشم و التكالب، و ردعا عن التظالم و التواثب، و تأديبا بهم لأهل العتو و العدوان، و رفعا لما تدعو إليه دواعى الشيطان، و لم يمهلهم سدى بلا حجة فيهم معصوم، إما ظاهر مشهور أو غائب مكتوم.

## [مقدمه مؤلف]

به نام خداوند بخشنده مهربان

حمد و ستایش سزاوار خداوندی است که از صفات موجودات برتر، و از وصف  
موجودات برتر، و از مراتب مخلوق و هرچه شایسته یکتایی او نیست به دور است، به  
موجب عبادتی که زوال و فنا ندارد، آن هیبتی که سراسر هستی را وادار نموده تا بر  
نعمت‌های بی‌پایان، و پیوستگی حسن تدبیر، و تناوب احسان و نعمات او را شکر و  
سپاس کنند همان نبی که از شمار خارچند و آگاهی از آنها محال است.

و شهادت می‌دهم که هیچ‌کس جز الله نیست، یکتا و بی‌شریک است. شهادتی که  
میزان اهل معرفت را از جزایان سنگین، و رویشان سفید گردد.

و شهادت می‌دهم که خداوند پادشاه بر برگزیده و فرستاده منتخب، و خاتم رسولان و  
انبیاء، و سید همه مخلوقات و اصفیای برگزیده است.

و نیز گواهی می‌دهم که وصی اعلی بن ابی طالب بهترین وصی و امامی است  
که به ولایت او سفارش گردیده است.

و اینکه عترت پاکیزه او - که بهترین خاندانند - سرپرستان هدایت‌گر؛ پیشوایان  
دوازده‌گانه راهنمایند. امینان الهی در زمین و حجت‌های اوست. پس بندگان  
نعمت را بر ما تمام کرده و کلمه‌اش را بر ما چیره ساخته است. پس ما برگزیده  
تا لطف و حکمتش را بر همه نمایان نموده، و پرچم‌های عدل و رحمت را آشکار  
سازد. پس توسط ایشان دلیل بندگان دور شد، و باطل هر متکبر سرسختی رو به نابودی  
گرائید. خداوند برای حفظ دستورات دین، مصلحت اندیشی، و دغدغه‌ای که برای  
گناهکاران داشت، امامان را مقام عصمت بخشید و آنان را از هر نقص و عیب  
داشت، تا مانع ظلم و دشمنی و جور و یورش شده، و آمادگی لازم در برابر متکبران  
دشمنان را داشته، مانع تبلیغ داعیان شیطان شوند. خداوند بندگان را بی‌حجت  
نگذاشته، و همواره در میان آنان حجتی است ظاهر و مشهور، یا غایب و پنهان.

﴿لَئِنْ لَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ﴾ بعد الحجة، و لا يلتبس عليهم فى دينه المحجة، و لم يجعل إليهم اختياره لعلمه، بأنهم لا يعلمون أسرارهم، و لأنه عز و جل متعال عن فعل شيء لا يجوز عليه، مثل تكليف ما لا يهتدى العباد إليه، و نزهة ذاته عن أن يشرك به أحدا فى الاختيار، حيث قال: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾.

ثم إن الذى دعانا الى تأليف هذا الكتاب، عدول جماعة من الأصحاب عن طريق النجاة، و عن سبيل الجدال، و إن كان حقا، و قولهم إن النبى ﷺ و الأئمة (عم) لم يردلوا قط، و لا استعملوه، و لا للشيعه فيه إجازة، بل نهوهم عنه و عابوه، فرأيت عمل كتاب يحتوى على ذكر جمل من محاوراتهم فى الفروع و الأصول، مع عمل الخلاف و ذوى الفضول قد جادلوا فيها بالحق من الكلام و بلغوا غاية كل مراد.

و إنهم ﷺ إنما نهوا عن ذلك مسيء، من أهل القصور عن بيان الدين، دون المبرزين فى الاحتجاج بغالبين لأهل اللجاج، فإنهم كانوا مأمورين من قبلهم بمقاومة الخصوم و مداورة الكلام، فعاد بذلك منازلهم و ارتفعت درجاتهم و انتشرت فضائلهم.

و أنا أبتدى فى صدر الكتاب بفصل ينطوى على ذكر آيات من القرآن، التى أمر الله تعالى بذلك أنبياءه بمحاجة ذوى العدوان، و يشتمل ايضا على عدة أخبار فى فضل الذابين عن دين الله القويم و صراطه المستقيم، بالإنجى القاهرة و البراهين الباهرة.

تا مردم را بر خدا هیچ حجت و بهانه‌ای نباشد، و راه راست دینش بر آنان ملتبس نگردد. و انتخاب خود را به خودشان وانگذاشت، زیرا می‌دانست که اسرار او را نمی‌دانند، و خداوند از هر فعل ناروایی به دور است مانند: تکلیف بندگان بدان‌چه بنمایی نشده‌اند، و خود را از برگزیدن شریک منزّه ساخته، آنجا که می‌فرماید:

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ<sup>۱</sup>

در چه انگیزه من برای تألیف این کتاب بود، بازگشت گروهی از اصحاب از بحث و گفتگو جدل به بی‌نقشه به این دلیل که می‌گفتند: «پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ جدل نمی‌کردند، و آن را به کار نیستند، و شیعیان نیز به آن مجاز نیستند، بلکه ایشان را از آن نهی کرده و آن را عیب می‌دانستند». از این رو کتابی تألیف کردم که حاوی بخشی از گفتگوهای ایشان ﷺ در فروع اصول دین با مخالفان و اهل فضل باشد، که در آن با شیوه‌ای حق‌مدارانه و کلام صحیح استدلال شده، و به پایان برده‌اند.

نهی ائمه ﷺ تنها شامل ضلالت مساکینی می‌شود که گفتارشان در بیان دین قاصر است، نه افراد برتر در بحث و فاتحان عدل و احسان. دلیل لجاج، زیرا این افراد از طرف آن بزرگواران ﷺ مأمورند که در برابر دشمنان مقاومت نموده و جراحات فکری و اعتقادی را التیام بخشند و بدین سبب مقام و منزلتشان برتری یابد و درجه اعتبارشان رفیع گشته و فضائلشان انتشار یابد.

من مقدمه را با فصلی آغاز نمودم که شامل تعدادی از آیات قرآن است، که خداوند به وسیله آنها انبیاء ﷺ را به احتجاج با دشمنان و بدخواهان مأمور نموده است. و نیز کتاب مشتمل بر تعدادی اخبار در فضیلت مدافعان از دین قویم خدا را به دستفراوانی با دلائل پیروزمندانه و براهین خیره‌کننده است.

۱ - {الفصل: ۶۸} «و پروردگار تو آنچه خواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند اما آنان توان [انتخاب ندارند، پاک و منزّه است

خدای، و از آنچه شریک او می‌گیرند برتر است.»

ثم نشرع في ذكر طرف من مجادلات النبي و الأئمة عليه و عليهم السلام،  
و ربما يأتي في أثناء كلامهم كلام جماعة من الشيعة، حيث تقتضي الحال  
ذكره و لا تأتي في أكثر ما نورده من الأخبار بإسناده، إما لوجود الإجماع عليه  
أو موافقته لما دلت العقول إليه أو لاشتهاره في السير و الكتب بين المخالف و  
المتبع، إلا ما أورده عن أبي محمد الحسن العسكري عليه السلام، فإنه ليس في  
الاشتهار علم حد ما سواه، و إن كان مشتملا على مثل الذي قدمناه، فلأجل  
ذلك ذكرت إسناده في أول جزء من ذلك، دون غيره، لأن جميع ما رويت  
عنه عليه السلام روي بإسناد واحد من جملة الأخبار التي ذكرها عليه السلام في تفسيره.

﴿وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ﴾ فيما نزلناه و هو حسبي ﴿وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾.

\*\*\*

سپس به قسمتی از مجادلات پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام پرداختم، و گاهی به تناسب حال بین کلام ایشان، گفتار گروهی از شیعیان به میان آمده است. و سند بسیاری از اخبار را به دلالتی همچون: وجود اجماع، موافقت با عقل، و تواتر و شهرت در کتب فرستادن ذکر نکردم. به جز احادیث امام حسن عسکری علیهم السلام که در حدّ تواتر سایر احادیث بود، هرچند از نظر محتوی مانند دیگر روایات می باشد، و سندهای آن را تنها در اولین جزء آن آوردم، چون اسناد سایر احادیث وارده از آن امام، همان اسناد اولی بود که از تفصیل آن حفریه نقل نمودم.

باید از خداوند بر آنچه قصد نموده ام یاری خواست، و او ما را کفایت کننده و نیکو پشتیبانی است.

\*\*\*